

تشتت روایات درباره نخستین پادشاه ایرانی و دلایل آن

بخش دوم

روح انگیز کراچی

عناصر حماسی و افسانه ای داستان همای

در آمیختگی روایات اساطیری با تاریخ شفاهی ایران پیش از اسلام سبب اختلاف در نقل روایات شده و از این روست که تشخیص جنبه های واقعی و اساطیری آن بسیار دشوار است. آنچنان که یکی از تاریخ نویسان می نویسد: «در داستان فرمانروایان کیانی البته عناصر اساطیری بیشتر است اما جنبه تاریخی نیز در آن هست» (زرین کوب ۱۳۶۴: ۴۱/۱) روایات مختلفی در تاریخ ها و حماسه ملی در باره همای، پدر، همسر، فرزند، مدت پادشاهی، رها کردن فرزند در آب، شناختن و به هم رسیدن مادر و فرزند وجود دارد. بخشی از این روایت به قصه دینی شباهت دارد^(۱) و بخش هایی از قصه با عناصر حماسی و افسانه ای در آمیخته است.

الف: همسری همای با پدر! فردوسی می فرماید: «پدر در پذیرفتش از نیکویی ابر آن دین که خوانی همی پهلوی» (فردوسی ۱۹۶۷: ۶/۳۵۲). به نظر می رسد این همان رسم سنتی ازدواج با محارم است که در ایران کهن و در دوره هخامنشیان و اشکانیان و ساسانیان در دربارها و در میان طبقات خاص اجتماعی بنا به دلایل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی نظیر بیگانه هراسی، حفظ اصالت نژادی و جلوگیری از انتقال ثروت معمول بوده است! یا حدیث تنگ نظری جامعه ای سنتی - پدر تباری است که دختر را مستقل و قدرتمند نمی دانست و او را همچون کالایی متعلق به پدر، برادر یا همسر تصور می کرد.

ب: موضوع حیرت آور شناختن همای، فرزندش را از میان آن همه سپاهی! در روایات آمده است که نخستین بار زمانی که همای پس از سال ها فرزندش را میان سپاهیان دید از طریق غریزه و احساس مادری، فرزندش را از میان آن همه سپاهی شناخت! «چو دید آن برو چهره دلپذیر / از بیستان مادر بپالود شیر / پیرسید و گفت این سوار از کجاست / بدین شاخ و این برز و بالای راست» (فردوسی ۱۹۶۷: ۶/۳۶۲). به نظر می رسد چنین وابستگی عاطفی تا اندازه ای از واقعیت به دور است و احتمال می رود که زائیده ذهنیت راویان باشد.



چندگانه در این باره شده است. ۲- واکنش جامعه مردسالار در برابر پادشاهی یک زن و تغییر نقش جنسیتی، این تشتت روایات را موجب شده و این حجم زیاد بحث ها و شایعات را به وجود آورده است.

۳- اختلاف روایات به سبب تفاوت اعتقادات دینی در دوره ای متفاوت بوده که دگرگونی فرهنگی رخ داده است. ۴- هنجارشکنی پدر همای در مورد پادشاهی دختر، در حالی که پسر هم داشته، سبب ایجاد روایات متعدد شده یا نوع ازدواج پدر با دختر سبب اختلاف روایت ها شده است. ۵- فره کیانی و نیروی جادویی همای چهارزاد در یک جامعه دینی - سنتی مردسالار چگونه بوده است که او بدان وسیله به قدرت زنانه اش مشروعیت و حقانیت داده و توانسته است سال ها از عهده وظایف پادشاهی سرزمین بزرگ ایران به خوبی بر آید.

تحلیل یافته ها: چنانکه پیش از این اشاره شد، پیرامون زندگی خصوصی و سیاسی و شخصیت این نخستین پادشاه زن ایرانی شایعات و روایات متعددی وجود دارد که باید چرایی آنها را شناخت و به علت پیدایی آنها پی برد.

۱- گذار خردمندانه از اسطوره و حماسه به تاریخ. منابع تاریخی و حماسی، روایات متفاوتی درباره او نقل کرده اند که استناد خردگرای حماسه زیرکانه و استنادانه مرز بین اسطوره و حماسه را با تاریخ منطقی تر تصویر کرده است و رویدادهای ذهنی - افسانه ای دوران اساطیری - حماسی را به واقعیت های تاریخی، خردمندانه پیوند زده است، از این رو در سرآغاز پادشاهی همای چهارزاد، او را دختر بهمن اردشیر معرفی می کند و قصه حماسی را به واقعیت تاریخی متصل می کند. چون اردشیر، پادشاه دوران تاریخی است ولی بهمن به دوران حماسی تعلق دارد.

به بیماری اندر بمرد اردشیر
همی بود بی کار تاج و سریر
همای آمد و تاج بر سر نهاد

یکی راه و آئین دیگر نهاد» (فردوسی ۱۹۶۷: ۳۵۴/۶).

۲- هویت دوگانه همای. در تاریخ و حماسه ملی ایران دو شخصیت به نام همای وجود دارد که اگر این دو شخصیت منطبق با واقعیت باشد، یکی همای دختر گشتاسب است و دیگری همای دختر بهمن اسفندیار است که به استناد تاریخ ها و روایات ملی و شجره نامه پادشاهان ایران، همای دختر بهمن اسفندیار نوه همای دختر گشتاسب است. اما کریستن سن وجود دو همای را انکار می کند و دختر بهمن را ساختگی می داند (کریستن سن ۱۳۴۲: ۲۱۷). با این ادعای کریستن سن نیمی از تاریخ پادشاهی ایران حذف می شود، اما باید افزود که او از منابع غربی استفاده کرده است و درستی و نادرستی منابع را قرن ها بعد به

پ: شنیدن صدایی از نامعلوم و پیشگویی حیرت آور ماورایی! زمانی که داراب در جمع سپاهیان بود، طوفان و باران در گرفت، خیمه ای نیافت، زیر طاق ساختمانی کهنه رفت و شنید که از ساختمان کهنه صدایی بلند می آید که: «ز ویران خروشی به گوش آمدش / کزان سهم جای خروش آمدش / که ای طاق آزرده هشیار باش / برین شاه ایران نگهدار باش / که در تست فرزند شاه اردشیر / ز باران مترس این سخن یادگیر» (فردوسی ۱۹۶۷: ۳۶۰/۶) به نظر می رسد این افسانه بر اساس ذهنیتی طبقاتی ساخته و پرداخته شده است.

ت: از عناصر حماسی دیگر در این قصه، اغراق در مدت پادشاهی غیر متعارف بهمن، پدر و همسر همای است که ۱۱۲ سال بود و از ویژگی داستان های پهلوانی است.

ث: اعتقاد به فره ایزدی یا کیانی برای به قدرت رسیدن همای. «فرمانروای کیانی حق سلطنت خویش را به اتکا یک تأیید الهی - فره کیانی توجیه می کرد» (زرین کوب ۱۳۸۸: ۴۱/۱)

هدف پژوهش و روش نقد: در این مقاله سعی شده است پس از گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه ای، به منظور بررسی رویدادهای زندگی و پادشاهی همای، داده ها با روش نقد تاریخی توصیف و تحلیل شوند و سپس با روش نقد اجتماعی مبنی بر مؤلفه زمان، طبقه اجتماعی و فضای جامعه، تأثیر جامعه بر سرنوشت زن بررسی شود و وجود این پدیده نادر از منظر برخورد اجتماعی مورد تحلیل قرار گیرد. پس از آن با روش نقد زن گرا، آنچنان که «جنسیت در کانون پژوهش یک پژوهشگر قرار گیرد» (اعزازی ۱۳۸۵: ۲۹۵) با خوانشی زنانه

دوره ای از تاریخ اسطوره ای - حماسی ایران با محوریت یک پادشاه - زن تحلیل شود و با رویکردی زن گرا نقش جنسیتی همای مورد بررسی قرار گیرد تا واکنش جامعه مردم محور نسبت به تغییر ساختار هرم قدرت ارزیابی شود. در این نوع نقد راه های بازنمایی یا حذف زنان در نوشته های مردان مورد بررسی قرار می گیرد.

(هام ۱۳۸۲: ۱۶۰)

فرضیه ها: اگر فرضیه را پیش بینی رابطه بین متغیرها و رویدادها تعریف کنیم (اعزازی ۱۳۸۵: ۲۹۱) چند فرضیه در مورد علل تشتت روایات و شایعات مربوط به همای چهارزاد وجود دارد که از آن جمله است: ۱- در آمیختگی رویدادهای دوران اساطیری - پهلوانی - تاریخی و گذر از مرز اسطوره و حماسه به تاریخ سبب روایات

در تاریخ و حماسه ملی

ایران دو شخصیت به نام همای وجود دارد که اگر این دو شخصیت منطبق با واقعیت باشد، یکی همای دختر گشتاسب است و دیگری همای دختر بهمن اسفندیار است که به استناد تاریخ و روایات ملی و شجره نامه پادشاهان ایران، همای دختر بهمن اسفندیار نوه همای دختر گشتاسب است.



باورهای سنتی رها کرده و زنی را به عنوان جانشین خود انتخاب کرده است زیرا به قدرت و لیاقت پادشاهی در او ایمان داشته است: سپردم بدو تاج و تخت بلند همان گنجو آن لشکر ارجمند

ولیعهد من او بود در جهان

هم آن کس کز او زاید اندر نهان

چو ساسان شنید این سخن خیره شد

ز گفتار بهمن دلش تیره شد

به دو روز و دو شب بسان پلنگ

ز ایران به مرزی دگر شد ز ننگ»

(فردوسی ۱۹۶۷: ۶/۳۵۲).

در تحلیل این ننگ که سبب شد ساسان چنین آزرده و آواره شود، ممکن است بتوان سه دلیل برای آن منظور کرد: ۱- غیر منتظره بودن این تصمیم از جانب پدر ۲- ولیعهدی خواهر و ۳- ازدواج پدر با دختر خود.

۵- ازدواج. به استناد روایات موجود، ازدواج همای با پدر انجام شده، اما ساختگی بودن یا حقیقت داشتن آن مشخص نیست. به نوشته ابن بلخی، تاریخ نویس مسلمانی که نتوانسته این روایت را باور کند، نوشته است همای «بکر بود

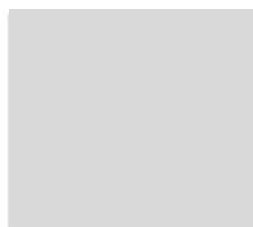
دشواری می توان ارزیابی کرد.

۳- قدرت. «با آنکه جامعه کیانی هنوز بین زندگی شبانی و کشاورزی سیر می کرد» (زرین کوب ۱۳۸۸: ۴۲۱) و به استناد یافته های تاریخی اصولاً قدرت تصمیم گیری و اداره امور و رهبری سیاسی در دست مردان جامعه بود و این مسئله پدیده ای جهان شمول به درازای تاریخ بشریت است. اما به گونه ای غیر معمول و شاید به منظور حفظ ساختار طبقاتی، حفظ نژاد و سرمایه و مهمتر از همه، تاج و تخت پادشاهی، قدرت در دوره ای از تاریخ ایران از سوی پدر به دختر تفویض شده است. اگر چه به نظر می رسد ساختار قدرت متشکل از قدرت سنتی و رسمی مردانه بوده که با اقتداری ویژه جنس مؤنث را به لحاظ طبیعی و هم اجتماعی به اطاعت از خود وادار می کرده و مرد با این شیوه قرن ها در رأس هرم قدرت قرار داشته، اما حضور مستقیم همای چهارزاد در صحنه سیاست توانسته است آن نظم را بر هم زند و از سویی بر ابعاد اجتماعی هویت زن، شخصیت اجتماعی، جایگاه و نظام ارزشی زن در جامعه اثر بگذارد و در دوره ساسانی در حکومت پوراندخت و آذرمدخت نمود یابد. به علاوه این موضوع را نیز نباید از نظر دور داشت که به استناد نظریه ذات گرایان، قدرت، ذاتی و طبیعی است و به احتمال قوی همین متغیر در به قدرت رسیدن همای تأثیر داشته است.

۴- جانشینی پدر. در اینجا پرسشی وجود دارد که چرا بهمن پادشاهی را به پسر بزرگ خود، ساسان نداده و تاج پادشاهی را به همای و فرزندی که در شکم داشته داده است؟ آیا قدرت تصمیم گیری همای بیش از برادرش ساسان بوده؟ یا هیچ مرد لایقی در دستگاه حکومتی - به نقل از بندش - نمانده بود که پادشاهی کند؟ یا

برای بهمن جنسیت مطرح نبوده و شایستگی دلیل این گزینش بوده است؛ چنانکه آزاده طوس فردوسی می فرماید: «اگر دختر آید برش گر پسر / ورا باشد این تاج و تخت پدر» (فردوسی ۱۹۶۷: ۶/۳۵۲). در اسطوره و روایات حماسی ایران چنانکه آمده است شاه باید دارای فره ایزدی باشد و همان فره کیانی است که او را شایسته پادشاهی می کند، پس بر اساس باور دوره کیانی، همای نیرویی جادویی داشته و فره ایزدی او را در دستیابی به مقام شاهی یاری رسانده است. بی گمان این موضوع به دوره ای از تاریخ باز می گردد که بشر نیروهای ماورایی را باور داشته است. در تحلیل این موضوع واقعیت این است که پدر با شناختی که از دو فرزندش داشته، همای را به سبب هوشمندی و اقتدار ذاتی شایسته تر از ساسان می دیده و حیرت انگیزی این گزینش در اینجاست که با توجه به تصور غالب جنس گرایی در آن زمان، بهمن، خود را از زیر سلطه

در میان روایات موجود که همه همای را مقصر دانسته و او را عاری از عواطف مادرانه دانسته اند، در کتاب آفرینش و تاریخ روایتی متفاوت نوشته شده که رگه هایی از واقعیت در آن موجود است و به نظر می رسد مؤلف در پی آن بوده که قصه را به حقیقت نزدیک کند.



نظرگاه امروزی ما باشد.

۷- حکمرانی. در شرح احوال سلاطین ایران آمده است که چون: «همای بر تخت شاهی نشست، پرده ای پرنیانی و زربفت در برابرش آویختند و به خاص و عام اجازت حضور داد» (ثعالبی ۱۳۷۲: ۲۴۳) آیا این نوشته، عقیده شخصی ثعالبی تاریخ نویس مسلمانانی است که نمی توانسته زن را خارج از پرده و در نقش جنسیتی مغایر با دوره خویش تصور کند یا واقعیت داشته؟ از میان تاریخ نویسان تنها ثعالبی این روایت را نوشته است و چون در نوشته دیگر تاریخ نویسان به چنین موضوعی اشاره نشده است، بی گمان این عقیده شخصی ثعالبی است که باور این موضوع برای او دشوار بوده و دیگر گونگی زمان خود را با دوره تاریخ پیش از آن در نظر نگرفته است. موضوع دیگر این است که در اغلب این روایات، «همای بزرگترین ملکه عالم، پادشاهی عدالت گستر، نیکوکار و حافظ منافع مردم» معرفی شده است (ثعالبی ۱۳۲۸: ۱۷۹-۱۸۰) آیا او در واقع پادشاهی مهربان، عادل و دادگستر بوده، یا با پادشاهان مقتدر و مستبد مقایسه شده است که تاریخ نویسان چنین قضاوتی کرده اند. احتمال دارد تفاوت رفتاری زن و مرد نیز علت دیگر این قضاوت باشد. زیرا زن به سبب طبیعت زنانه اش ملایم و مهربان است و از خشونت پرهیز می کند و به سبب همین تفاوت رفتاری با دیگر پادشاهان، این گونه رفتارهایش مورد تحسین تاریخ نویسان قرار گرفته است.

چنانکه از یافته های تاریخی بر می آید در تمام طول تاریخ بشر و در جوامع مختلف تفکیک شغل و مقام بر اساس جنس وجود داشته و در بیشتر کشورهای دنیا نقش پادشاهی جز موارد استثنایی منحصر به مردان بوده؛ و احتمال می رود یکی از دلایل برتری مردان در جامعه، مقام سروری و فرمان رویی و مشاغل مردانه آنها از دوره ای تاریخ بوده است. بنابراین شاید بتوان حضور همای را به عنوان پادشاه، به ساختار فرهنگی - اجتماعی مساعدی ارتباط داد که پذیرای حکومت یک زن آن هم به مدت ۳۲ سال بوده است، بی گمان اعتراض جامعه در برابر نقش جنسیتی همای چندان گسترده نبوده که تأثیر مخربی بر جریان قدرت بگذارد و واکنش منفی مردم در همان حد شایعات و مخدوش کردن اخبار مربوط به زن - پادشاه بوده است و از نوشته تاریخ نویسان چنین بر می آید که جامعه بدون قید و شرط حکومت یک زن را پذیرفته است و در اغلب روایات مملکت داری او را تحسین کرده اند. یا اگر نظام طبقه بندی اجتماعی در ایران را بپذیریم، احتمال دیگر این است که شخصیت همای بازمانده دوران زن سروری در ایران کهن باشد.

و تا به مردن شوهر نکرد». (ابن بلخی ۱۳۱۳: ۵۴). اما با توجه به نظام متفاوت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و بخصوص دینی در دوره پیش از اسلام و پس از آن، می توان احتمال داد که این عمل به جهت حفظ دودمان و به اجبار و به دستور پدر صورت گرفته باشد و بنا به فرموده فردوسی این نوع ازدواج سنتی بر طبق دین و آیین ایرانیان انجام شده است. «پدر در پذیرفتش از نیکویی / بر آن دین که خوانی همی پهلوی / همای دل افروز تابنده ماه / چنان بد که آستن آمد ز شاه» (فردوسی ۱۹۶۷: ۶ / ۳۵۲). از زاویه دیگری می توان احتمال داد که چون این عمل در میان طبقه خاص اجتماعی بخصوص پادشاهان و درباریان پیش از اسلام مرسوم بوده، این شایعات و روایات متعدد، واکنش طبقات دیگر اجتماعی بوده، که آن را درست نمی دانسته اند.

۶- فرزند. به استناد منابع، همای، فرزند خود را در کودکی به آب رودخانه سپرد. به نظر می رسد در درستی این روایت باید اندکی تردید کرد و اگر چنین عملی انجام شده باشد، دلایل سیاسی توجیه بیشتری دارد تا دلایل فردی؛ چون ناخواستگی فرزند و حاصل تعرض بودن آن. زیرا بر طبق سنتی که در دربارها وجود داشته، فرزند را برای تربیت به پهلوانان یا بزرگان می سپردند همان گونه که سیاوش و بهمن را از کودکی به رستم یا بهرام گور را به منذر بن عمرو بن عدی لخمی سپرده بودند (صفا ۱۳۷۱: ۱ / ۱۷۱) یا به سبب مخالفت با پادشاهی همای از جانب گروه های مخالف خطرهای فراوان در دربار برای ولیعهد پیش بینی می شده و منطقی تر آن بوده که ولیعهد از آسیب ها دور بماند و به افراد مورد اعتماد دربار سپرده شود تا بزرگ شود و در زمان لازم به دربار باز گردد. به نظر می رسد این تحلیل به حقیقت نزدیکتر باشد تا

دیدگاه نویسندگانی که چنین عملی را خودخواهی یا جاه طلبی همای ذکر کرده اند. در میان روایات موجود که همه همای را مقصر دانسته و او را عاری از عواطف مادرانه دانسته اند، در کتاب آفرینش و تاریخ روایتی متفاوت نوشته شده که رگه هایی از واقعیت در آن موجود است و به نظر می رسد مؤلف در پی آن بوده که قصه را به حقیقت نزدیک کند. او نوشته همای «کودک را در گاهواره ای نهاد و مال بسیاری به گروهی داد تا او را پرورش دهند و آنها را از پایتخت خویش بیرون فرستاد و آن دسته فرزند او را بردند و در کشتی نشستند تا اینکه به مذار رسیدند. طوفانی شد که کشتی را غرق کرد و همه آنها که در کشتی بودند غرق شدند و گاهواره بر روی آب ماند تا اینکه در ساحل دجله به دست گازی که جامه می شست رسید و دید که کودکی در آن قرار دارد (مقدسی ۱۳۷۴: ۵۰۷). اما اینکه این قصه محصول ذهنیت جامعه است یا واقعیت دارد، به درستی معلوم نیست. شاید این تحلیل ها نتیجه

شاید بتوان
حضور همای
را به عنوان پادشاه،
به ساختار فرهنگی
- اجتماعی مساعدی
ارتباط داد که پذیرای
حکومت یک زن آن هم به
مدت ۳۲ سال یوده است.
بی گمان اعتراض جامعه
در برابر نقش جنسیتی
همای چندان گسترده
نبوده که تأثیر مخربی
بر جریان قدرت بگذارد.

نتیجه

همای چهارزاد به استناد حماسه ملی و تاریخ ایران نخستین پادشاه زن ایرانی است.

در تحلیل علت تشنت روایات در مورد زندگی و پادشاهی همای در این مقاله، دو عامل مورد نظر قرار گرفت. نخست اینکه به سبب جنگ ها و حذف تمام آثار یک سلسله پادشاهی، در تاریخ این دوره از ایران گسستگی رخ داده و بازسازی آنها در دوره های بعد به صورتی ناقص، آمیخته با افسانه و غیر واقعی انجام شده. احتمال می رود وجود این همه روایت های مختلف همین باشد. عامل دوم جنسیت پادشاه است، در بررسی تطبیقی شخصیت و سرگذشت همای با دیگر پادشاهان سلسله کیانی چنین تعدد روایاتی در مورد مردان پادشاه وجود ندارد و به نظر می رسد علت وجود این همه روایات متعدد درباره همای این باشد که جامعه در رویارویی با زن و موقعیت او بیش از هر چیز به وجه جنسی هویت او نظر داشته و

جنسیت، عامل بروز تشنت روایات و شایعات مختلف درباره او شده است. اگر این احتمال واقعیت داشته باشد، تاریخ و حماسه شرمسار همای است که در برهه ای سخت از تاریخ ایران، مسئولیت اداره این سرزمین را به دوش گرفته و در برابر نگرش مردانه مقاومت کرده است و اگر پادشاهی یک زن را در سرزمین ایران امری طبیعی فرض کنیم و آن را متعلق به دوران زن سالاری در نظام اجتماعی ایران بدانیم، باید با



تحلیلی انتقادی نظریه جامعه شناسان را در مورد طبقه بندی جامعه به مردسالاری در آن دوره بازپژوهی کنیم و به شناخت و برداشت سنتی تاریخ نویسان از ساختار مردسالاری جامعه ایران به دیده تردید بنگریم و در پی شناخت واقعی ساختار اجتماعی ایران باشیم. افزون بر عوامل مؤثر در تشنت روایات مربوط به همای، به عامل دیگری نیز می توان اشاره کرد و آن نقش جنسیتی در جامعه گذشته ایران است که در ایران نیز چون اغلب کشورها، پادشاهی نقشی صرفاً مردانه بوده و این یکی از مشخصه های نظام های استبدادی - سنتی است که تمایز نقش در حدی آشکار در آنها وجود دارد. این تفکیک نقش طی قرن ها در جامعه تداوم داشته و نهادینه شده؛ احتمال می رود تغییر این روش و این دیدگاه با واکنش همراه بوده و سبب نارضایتی در جامعه و در نتیجه بروز شایعاتی شده است که به نظر می رسد نیمی از آنها واقعی نیستند.

پادداشت ها

- ۱- بُن مایه رها کردن کودک در آب را در قصه های دینی چون قصه حضرت موسی نیز می توان یافت. منابع:
- ابن بلخی. ۱۳۱۳. فارس نامه. به کوشش جلالالدین تهرانی.
- اعزاز، شهلا؛ ۱۳۸۵؛ فمینیسم و دیدگاه ها؛ مجموعه مقالات؛ تهران: روشنگران.
- ایرانشاه بن ابی الخیر؛ ۱۳۷۰؛ بهمن نامه؛ تصحیح رحیم عفیفی؛ تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلعمی، ابوعلی؛ ۱۳۷۹؛ تاریخ بلعمی؛ به کوشش محمد تقی بهار و پروین گنابادی؛ تهران: طهوری.
- بناکتی، داود بن محمد؛ ۱۳۴۸؛ تاریخ بناکتی؛ به کوشش جعفر شعار؛ تهران: انجمن آثار ملی.
- ابوریحان بیرونی، محمد بن احمد؛ ۱۳۵۲؛ آثار الباقیه؛ به کوشش اکبر دانا سرشت؛ تهران: ابن سینا.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ ۱۳۸۱؛ نظام التواریخ؛ به کوشش میر هاشم محدث؛ تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- ثعالی مرغنی، حسین بن محمد؛ ۱۳۲۸؛ شاهنامه ثعالی در شرح احوال سلاطین ایران؛ تهران: مجلس

- ثعالی، حسین بن محمد؛ ۱۳۷۲؛ شاهنامه کهن، پارسی تاریخ غررالسیر؛ ترجمه محمد روحانی؛ مشهد.
- حمدالله مستوفی، حمدالله بن ابی بکر؛ ۱۳۳۹؛ تاریخ گزیده؛ به اهتمام عبدالحسین نوانی؛ تهران: امیرکبیر.
- حمزه اصفهانی، حمزه بن حسن؛ ۱۳۴۶؛ تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض والانبیاء)؛ ترجمه جعفر شعار؛ تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین؛ ۱۳۳۳؛ تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد بشر با مقدمه جلال الدین هماتی؛ زیر نظر محمد دبیر سیاقی؛ ج ۲، (۱۳۵۳). تهران: خیام.
- دینوری، احمد بن داود؛ ۱۳۶۴؛ اخبار الطوال؛ ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی.
- زرین کوب، عبدالحسین؛ ۱۳۸۸؛ تاریخ مردم ایران، ایران قبل از اسلام؛ ج ۱۱. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله. ۱۳۷۱. تاریخ ادبیات در ایران. ج ۱۲. تهران: فردوس.
- طبری، محمد بن جریر؛ ۱۳۵۱؛ تاریخ الرسل و الملوک، بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری؛ ترجمه صادق نشأت؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- فردوسی، ابوالقاسم؛ ۱۹۶۷؛ شاهنامه فردوسی؛ تصحیح م.ن؛ عثمانوف؛ مسکو: آکادمی علوم اتحاد شوروی.
- فرنیغ دادگی؛ ۱۳۶۹؛ بندهش؛ تصحیح مهرداد بهار؛ تهران: توس.
- کریستنسن؛ ۱۳۴۳؛ کیانیان؛ ترجمه ذبیح الله صفا؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گیرشمن، رومن؛ ۱۳۸۴؛ ایران از آغاز تا اسلام؛ ج ۱۶؛ تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مجمل التواریخ و القصص؛ ۱۳۱۸؛ به کوشش محمد تقی بهار؛ تهران: محمد رضائی.
- مسعودی، علی بن حسن؛ ۱۳۴۴؛ مروج الذهب و معادن الجواهر؛ ترجمه ابوالقاسم پاینده؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- مقدسی، مطهر بن طاهر؛ ۱۳۷۴؛ آفرینش و تاریخ؛ ترجمه محمد رضا شفیعی کدکنی؛ تهران: آگه.
- هام، مگی و دیگران؛ ۱۳۸۲؛ فرهنگ نظریه های فمینیستی؛ ترجمه نوشین احمدی خراسانی؛ فیروزه مهاجر و فرخ قره داغی؛ تهران: توسعه.
- یعقوبی، احمد بن اسحاق؛ ۱۳۴۷؛ تاریخ یعقوبی؛ ترجمه محمد ابراهیم آیتی؛ تهران: ترجمه و نشر کتاب.